

به نام خداوند درهم کوبنده ستمگران

«پیغامی برای خامنه ای»

لطف حق با تو مداراها کند- چون که از حد بگذری رسوا کند

به خامنه ای آن پیشوای نادان و ستمگر و مخیبطان برسانید که نشان به نشان آن انگشتی شرف چهار شمس این پیغام را بخواند و در آن اندیشه کند.

تنها به او بگویید: "نشان به نشان آن انگشتی شرف چهارشمس که ... بدو بخشیده بود...." آنگاه او خود خواهد دانست که ما چه میگوییم.

بدانید که مضمون این پیام انتشار یافته و سرانجام خواه و ناخواه به گوش او هم رسانده خواهد شد. بنابراین اگر میخواهید مدیونش نشوید به او بگویید که این نامه را بخواند و در آن تامل کند و اگر وجود توبه ای شایسته و بایسته را ندارد، پس آن انگشتی را که لایقش نیست هر چه زودتر به درآورده و از خود دور سازد.

آری! وقتی از لزوم درهم کوبیده شدن "بتکده" شوم خمینی در جوار ری به وقتش گفته میشود، منظور نه کینه-کشی است- که خمینی نیز به نوبه خود "قربانی" اهریمنانی در درون و برون خویش بود؛ همو که در سیستم تباهساز سفیانی گام به گام فروتر شد و عاقبت، خودش و پسرش نیز چنان پایانی یافتند.... (بیهوده نیست که برخی معتقدند آن زهر خورده، در واپسین ایام عمر کوتاه گشته خویش بس میگریست و خود را بر سر "حفره هاویه" میانگاشت.) خیر! منظور از این کار، شکستن گویای آن بت غلط-انداز و نماد گمراه کننده آیین دروغ و نفاق و ریا و بلعندگی و شیوه "شیطان-پرستی در پوششی به ناروا مقدس گشته" است.

و در مورد این ولی سفیه نظام سفیانی نیز که ابلیس بر او مستولی گشته، وی چه بیهوده خود را به در دست گرفتن آن انگشتی شمس دلخوش ساخته؛ در حالیکه بخشنده آن بدو، خود، خمینی را سخت دشمن میداشت و در جستجوی "کمالی"، بر آن بود تا شاید بتواند به واسطه ای با شری بزرگ مقابله کند. اما آن که "از دست" داد و به جایی بلند (اما پست) رسید، حال مسخ و بیخود گشته برجای مانده تا سرانجام، هنگامه رسواییها و عقوبتهای فزونیتر فرارسد؛ از سیاهچالهای سفیانی گرفته تا جوار کوه کبود و شام و عراق ... و همه و همه به نام دین و مصلحت، ولی در اصل، در هوای حقیر قدرت و منیت. لطف حق با تو مداراها کند- چون که از حد بگذری رسوا کند.... اینان گفتند که بر راه پیامبران خدایند؛ ولی از آنان نبودند- پس دروغ گفتند و نفاق ورزیدند و ریا کردند؛ چه بدان باور داشته باشند یا نه.

هر آن کس که ابزارهایی اهریمنی و راههایی تیره و تاریک را برای نیل به اهداف خویش اختیار کند، حتی اگر اهداف خویش را ارزشمند بنمایاند و یا حتی با خود نیز چنین بیندارد، بر دروغ و نفاق است و ابلیس بر او امر را مشتبّه ساخته. و چون به منافقان گفته شود که فساد مکنید، پاسخ میدهند که ما عمل به خیر میکنیم! همانا که آنچه اینان "در اصل" در پی اش بوده اند، با ابزارهای اهریمنی و راههای تاریکشان سنخیت داشته است. چنین کسانی از اساس به اصالت روشنایی در هستی اعتقاد نداشته و اگر به جز این بود به راه و روشهایی تیره که درخور شیطان-پرستان است متوسل نمیکشند.

مشکل اما در خودپرستیها و خودخواهیهای حقیر آدمهاست که روزی آیین ابراهیم و موسی و روز دیگر آیین عیسی و محمد را پوستین وارونه میسازد؛ یکروز شمشیر تعصبات کور عربی یا عجمی به دست میگیرد و دیگر روز در جامه نازیسم یا استالینیزم درمیآید؛ گاه در هیئت متجاوزان امپریالیست غربی با ادعای دفاع از آزادی و ارزشهای عام انسانی و گاه در هیئت جلادان خمر با ادعای عدالت و برابری و سوسیالیزم. ادیان و مذاهب و مکاتب، چه آسمانی و چه زمینی، وقتی در ظرف وجودی حقیر و مبتذل برخی آدمها حبس میشوند، خواه و ناخواه خود را در هیئت و قامت آنان نشان میدهند.

پس خدا لعنت کند آنانی که او را به ناحق کشتند و آنانی که با کشندگان او همکاری کردند و آنانی که دیدند و شنیدند و بدان راضی شدند....

و سفیانی، این هیولای هفت سر و جان، سخت بفرسوده و پی در پی زهرها نوشانده شده و مدتهاست که در حال جان دادن و پوست کنده شدن است. آری! نظام اهریمنی خزندگان رو به انقراض بوده و شیطان-پرستان در شرف هلاکتند. و در آن ریشه آخر، شاهد شکافته شدن دل تمساح در گل مانده و فرومالیده به مکر آن جان جانان مجنون هیولا خواهیم بود؛ حقیر-اژدهایی مردارخوار و درنفاق که با نخوتی کور و اهریمنی در هوای عریان گشتن و خدایگانی است.

پس این آخرین فرصتها برای خامنه ای است که اگر قرار بر نوعی قربانی گشتن اوست و توان بازگشت را نیز ندارد دستکم تا آخر خط تباهی پیش نرفته و تا قعر دوزخ فرونشود. همانا که نومیدان را رستگاری مقدر نیست.

و به راستی که در آن نوروز به هفتمین طلوع شاهد تاختن گرفتن اسب سپید آزادی در برآمدنی جاودان خواهیم بود. انشاءالله.

یدالله فوق ایدیهم
یا لثارات الحسین

بدلائل مختلف، رونوشت این پیغام بطور همزمان برای آدرسهای متعدد دیگری نیز برای اطلاع فرستاده شده است.
لطف حق با تو مداراها کند- چون که از حد بگذری رسوا کند....